



6 مارچ 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش سی و یکم)

دوره دوم اصلاحات امانی:

چنانچه قبلاً تذکر رفت، دوره اصلاحات عصرامانی را میتوان به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول از 1298 تا 1302 (1919-1923)، دوره دوم از 1305 تا 1307 (1926 تا اواخر 1927) که البته اغتشاش خوست (1303 - 1304) دوره اول و دوم را از هم جدا کرد و دوره سوم بعد از عودت شاه و ملکه از سفر اروپا (جون 1928) تا ختم دوره سلطنت (جنوری 1929)

عمده ترین مشخصه دوره اول بعد از استقلال کشور همانا تلاش شاه برای ایجاد تحولاتی بود که در ساحه قانون گذاری و معارف در پیش گرفت و بدانوسیله خواست تا بر خرابه های نظام کهنه قبایلی تهداب یک دولت عصری را بر مبنای قانون و نظم اداری اساس گذارد، ولی قیام خوست شاه امان الله را متوجه خطری ساخت که آینده را تهدید میکرد و سرعت عمل در اصلاحات، حربه مخربین را بر علیه دولت تیزترمی ساخت. لذا شاه مجبور گردید در لویه جرگه 1303 (1924) از یک قسمت اصلاحات منصرف شود.

شاه امان الله با کسب این تجربه در دوره دوم کمی محتاط شد و با آنکه تحول در ساحه قانون گذاری را بطی ساخت، اما بیشترین توجه خود را به اداره کشور و تطبیق قوانین نافذ و همچنان هدف بزرگ خود یعنی انکشاف معارف و باسواد ساختن نسل جوان در سطح کشور معطوف کرد و نیز کوشید تا بر حمایت خود از حقوق زنان ادامه دهد. علاوه شاه خواست تا تجدد را در ساحه عمرانات مدرن با برنامه احداث شهر جدید کابل بنام "دارالامان" آغاز کند و به شهر کابل به حیث پایتخت کشور چهره نوین ببخشد؛ اعمار سرک بزرگ دارالامان و تمدید یک خط آهن از مسجد شاه دو شمشیره تا شهر جدید کابل یک قدم نو در این راه بود. از همه مهمتر با ورود متخصصین خارجی، بخصوص در اعمار قصر دارالامان و تاج بیگ و دیگر عمارات در پغمان، در واقع تحول بزرگ در اسلوب معماری به وجود آمد و شیوه های عنعنوی جای خود را روشهای جدید سپردند. با نصب یک دستگاه فرستنده امواج رادیو بار اول مردم کابل از طریق اخبار و موسیقی را شنیدند و با اعمار سینما برای مردم قدم دیگر بسوی تمدن جدید گذاشته شد. اولین کتابخانه عامه زمینه استفاده از کتب را برای همه فراهم کرد، برنامه های ورزشی مدرن در پهلوی ورزش های عنعنوی برای جوانان رویدست گرفته شد و جراید آزاد به نشرات آغاز نمود. خواهران ملکه ثریا کوشیدند تا لباس های مخصوص زنان را با حفظ حجاب شرعی انکشاف دهند و نیز سعی گردید تا برای زنان خانه صنف های تعلیم "صنایع دستی" از قبیل ساختن گلها، خیاطی، گلدوزی و مشاغلی که زنان بتوانند در خانه با آن مصروف شده و ضمناً از طریق فروش آن کمی پول بدست آورند و در پی استقلال اقتصادی خود برآیند.

با توجه به نکات فوق، اینک به شرح مختصر بعضی اقدامات مهم طی دوره دوم اصلاحات نیلماً پرداخته میشود:

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

--- به سلسله نوآوریها یکی هم تفکر دربارهٔ انکشاف شهرکابل بود که تا آنوقت به استثنای ساحات ارگ و اطراف آن دیگر ساحات شهر قدیم با همان شکل قدیمی آن با کوچه های باریک و خانه های بهم چسبیده و دیوارهای گلی امکان انکشاف مزید را نداشت. شاه امان الله در جوار اقدامات اصلاحی خود توجه جدی به عمرانات جدید شهری مبذول کرد و در فکر آن بود تا شهرکابل را به سمت ساحات هموار غربی آن انکشاف دهد و شهر جدید را در آنجا بنا نهد و آنرا بعداً به "دارالامان" مسمی سازد. این مفکوره در ماه حمل 1297 وقتی ایجاد شد که هیئت سفارت فوق العاده برای سفر به خارج آماده رفتن بود. شاه امان الله به محمدولیخان رئیس هیئت گفت: وقتی به آلمان میرسد و با رئیس جمهور آن کشور ملاقات میکند، از جانب من از ایشان خواهش کند تا یک مهندس را برای تهیه پلان و ساختمان شهر جدید کابل معرفی نماید. به این اساس مستر هارتل مطابق نظر و مشورت رئیس بلدیة برلین به امور دارالامان گماشته شد و موسیو کودار فرانسوی قسردارالامان را نقشه نمود. با ورود این مهندس و سپس چند انجیردیگر آلمانی کارمقدماتی بنای این شهر جدید در ماه حمل 1301 (مارچ 1922) آغاز و تا ماه میزان 1302 مراحل مقدماتی آن از جمله خط اندازی سرکها و تقسیم بخش های مختلف شهر و غیره به پایان رسید و در عین زمان سنگ تهاداب قصر شاهی برفراز تپه "تاج بیگ" و سپس یخ تهاداب قسردارالامان کابل بتاريخ 24 میزان سال 1302 بدست شاه گذاشته شد و به اعمار قصر با شکوه دارالامان به حیث مرکز اداری دولت و شعب مربوطه آن و نیز ساحات اطراف آن اقدام گردید. (وکیلی: "کابل باستان"، جلد دوم، کابل، 1387، صفحه 951 تا 953)

با آنکه بعضی ها بر اعمار قصر و مصارف گزاف آن انتقاد داشتند، ولی برای مردم این اقدام مایه امیدواری بسوی ترقی و تمدن شهری بود. احداث خط ریل شهری از مسجد شاه دوشمشیره تا حاشیه قصر، اولین پروژه ترانسپورت شهری در تاریخ کشور محسوب میشود. ناگفته نماند که قسردارالامان در واقع یک مکتب عملی در رشته ساختمانی و معماری مدرن بود و از آن طریق صدها استاد و عملة مسلکی ساختمانی در رشته های مختلف به جامعه تقدیم گردید که تا پیش از نیم قرن اسلوب معماری آن در امور ساختمانی کشور بسیار اثرگذار بود. (دیده شود - کاظم، سید عبدالله: "قسردارالامان - یادگار بزرگ عصر تجدیدگرائی در کشور"، در سه قسمت، افغان جرمن آنلاین، 13 مارچ 2016؛

در عین زمان شاه علاقمند انکشاف در ساحه پغمان کابل بود تا آنرا به حیث یک تفریحگاه برای مردم و تجمعات بزرگ اختصاص دهد؛ باغ عمومی، هوتل، مسجد بزرگ، تیاتر و سیما و عمارات زیبای دیگر را در آنجا بنا نهاد که شرح مزید آن در این مختصر نمی گنجد.

--- دستگاه رادیو به حیث یک وسیله اطلاع رسانی برای عموم مردم بار اول بتاريخ 27 اسد سال 1299 (18 اگست 1920 م) در عهد امانی بطور امتحانی در کابل شروع بکار کرد. در سال 1304 یک جوان افغان بنام عطا الله به خاطر آموزش تخنیک رادیو به آلمان اعزام گردید که سال بعد با چند تن متخصص آلمانی و دو دستگاه فرستنده رادیو دوباره به کشور برگشت و آنها کار نصب ستدیو و مرسله آنرا آغاز نمودند. در سال 1306 ش رادیو تمام مراحل تخنیکی و قانونی خود را طی کرد و در همین سال به اساس نظامنامه خاص نشرات خود را از عمارت "کوتی لندن" شروع کرد. در سالهای 1306 و 1307 در اطراف واکناف شهر کابل بلندگوها (لودسپیکر) نصب گردیدند و نخست تعداد کمی رادیو های بطری دار به منازل شخصیت های سرشناس در شهر کابل امتحاناً توزیع شد که در ظرف یک سال تعداد آن به بیش از هزار پایه رسید، البته در پهلوی آن یکنوع رادیوهای "گوشکی کرسالی" نیز بود که قیمت آن بسیار کم و به برق یا بطری ضرورت نداشت.

در دوره سکوی نشرات رادیو متوقف گردید و اما دستگاه رادیو کابل از سال 1309 تا 1318 فقط با برنامه های خاص در ایام اعیاد مذهبی و لویه جرگه ها و ایام جشن استرداد استقلال از طریق لود اسپیکرها موسیقی و اخبار را پخش میکرد. رادیو کابل تا سال 1318 مرکز مشخص نداشت و در ایام جشن در عمارت وزارت فواید عامه متصل سمت شمالی چمن حضوری (منطقه جشن) از یک اتاق استفاده میکرد. از آن به بعد رادیو کابل نشرات خود را نخست بطور امتحانی و در سال 1319 به نشرات رسمی آغاز کرد

--- سینما برای عموم مردم یکی دیگر از پدیده های تمدن وقت بود که با نمایش فلم های صامت "بدون صدا" در سال 1298 (1919م) در افغانستان توجه مردم به خود جلب کرد و شاه امان الله سال بعد دو نفر از عکاسان حضور را بمصرف دولت برای فراگرفتن فلم گیری و امور تخنیکی آن از کابل به کلکته اعزام کرد. آنها پس از مدتی با تهیه کمره فلمبرداری، ماشین و آلات نمایش فلم، و سائر لوازم مربوطه به وطن برگشتند. اولین فلم کوتاه که آنها تهیه کردند، از مناظر زیبای پغمان و شهر کابل بود.

در جوار ارگ دو عمارت بنام های "سلامخانه عام" و "سلامخانه خاص" در زمان امیر عبدالرحمن خان اعمار شده بود که سلامخانه عام بزرگ و ظرفیت بیش از 600 نفر را داشت و اما سلامخانه خاص که برای گردهمائی های رسمی و مجالس خصوصی دربار استفاده می شد، کوچکتر بود. بر طبق هدایت شاه امان الله همین سلامخانه خاص به حیث اولین سینمای کشور بنام "سینمای کابل" برای نمایش فلم های صامت که از هند برتانوی و جاهای دیگر از طریق نمایندگی های سیاسی افغانستان به کابل ارسال می شد، اختصاص یافت. با تأسف در خزان سال 1307 سینمای کابل دچار حریق گردید و تاسالهای بعد همانطور بحالت مخروبه باقی ماند.

--- در ساحه مطبوعات نیز قدمهای مهم گذاشته شد تا بدانوسیله مردم از یکطرف از وجایب قانونی خود و نیز اجراءات دولت اطلاع یابند و از طرف دیگر روحیه حفظ آزادی و استقلال و نیز ضدیت با سلطه خارجی به هر شکل و نوع آن در اذهان مردم تقویه گردد. اگرچه تهداب اولی انکشاف مطبوعات در دوره اول گذاشته شد، ولی در دوره دوم انکشاف مزید کرد و مردم نیز با مطالعه روزنامه ها و جراید در سرتاسر کشور علاقه بیشتر پیدا کردند. "امان افغان" سر دسته نشریه های دوره استرداد استقلال کشور و ادامه دهنده "سراج الاخبار" بود که بتاریخ 22 حمل 1298 به نشرات آغاز کرد. همچنان نشر روزنامه ها از جمله روزنامه "افغان" (سرطان 1299)، "ابلاغ" (میزان 1300) و "حقیقت" (اسد 1303) در کابل و نیز تعدادی از هفته نامه ها در دیگر شهرهای ولایات کشور آغاز به نشرات کردند، از جمله: "اتحاد مشرقی" در جلال آباد (حوت 1298)، "غازی" در خوست (میزان 1300)، "اتفاق اسلام" در هرات (سنبله 1299)، "ستاره افغان" در جبل السراج (قوس 1299)، "اتحاد اسلام" در بلخ (حوت 1300)، "اصلاح" در خان آباد (دلو 1300)، "طلوع افغان" در قندهار (حوت 1300) و از همه مهمتر اولین نشریه مخصوص نسوان بنام "ارشادالنسوان" در کابل (حوت 1299) به مدیریت اسماء رسمیه طرزی (مادرملکه ثریا) اقبال نشر یافتند که همه نشرات فوق بمصرف دولت به چاپ میرسیدند. از جمله مجلات آنوقت میتوان از "معرف معارف"، "مجموعه عسکری"، "مجموعه صحیه"، "ثروت"، و "پشتون زغ" نام برد. با انفاذ "نظامنامه وسایل یومیه و موقوته" (10 جدی 1303) نشر جراید آزاد نیز به دنیای مطبوعات کشور پیا بعرضه وجود گذاشتند که از جمله "انیس"، "نسیم سحر" و "نوروز" به نشرات آغاز کردند. ناگفته نماند که تمام نشریه های فوق الذکر در مطبعه دولتی در ماشینخانه، مطبعه "امان افغان"، مطبعه شرکت رفیق، مطبعه انیس، مطبعه وزارت معارف، مطبعه دارالتحریر مجلس عالی وزراء و مطبعه کاظمی، که همه در شهر کابل قرار داشتند و همچنان در ولایات

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

کشور مطابع محلی جداگانه برای نشر جراید مربوطه تأسیس شدند. با این ترتیب حلقهٔ انکشاف معارف، با مطبوعات و مطابع پیوند یافت و همه دربالا بردن سطح دانش مردم در حد امکان اثر مهم بخشید و درحقیقت انکشاف مزید این سه رکن بیشترتی همین دورهٔ دوم اصلاحات روبه تکامل گذاشت. (برای شرح مزید دیده شود: آهنگ، پوهاند محمدکاظم: "سیرژورنالیزم درافغانستان"، چاپ دوم، 1378، کابل، صفحه 132 تا 239)

--- از جمله خدمات عامه میتوان درساحه صحت ازاولین شفاخانه برای اناث بنام "شفاخانه مستورات" ونیز شفاخانه "طب یونانی" یاد کرد که هر دو درماه جدی درسال 1299 درشهرکابل تأسیس شدند. شفاخانه مستورات با ورود داکتران وداکترسهای خارجی دراواخر 1302 آماده فعالیت گردید و در همین وقت مدیریت مستقل صحیه نیز شامل هیئت کابینه شد و سردارمحمد کبیرخان سراج در راس آن قرارگرفت. "دارالایتام"، "دارالمساکین"، لیلیه برای شاگردان بی بضاعت، ایجاد "مکاتب خانگی"، اداره سالم توقیف خانه ها ومحابس، پروژه نلدوانی آب آشامیدنی که قبلاً در زمان امیرحبيب الله خان سراج آغاز گردیده بود، دراین دوره انکشاف مزید کرد و دراکثر نقاط شهر و حتی منازل رهایشی تمديد گردید. هریک از اقدامات فوق به استناد نظامنامه های مخصوصه در دورهٔ اول آغاز و در دورهٔ دوم انکشاف مزید کردند که شرح هریک دراین مختصر نمی گنجد.

--- بازگشائی مکاتب دخترانه و پیگیری مجدد حقوق زنان در دورهٔ دوم یکی از مهمترین اقدامات آن عصر بشمار میرود. بآنکه شاه امان الله درلویه جرگه 1303 بنا براصرار مکرر وجدی علمای محافظه کارمجبور گردید از عزم خود در مورد معارف نسوان و حقوق حقه آنها بگذرد و لویه جرگه از شاه درخواست کرد که: «قرارمسائل مسلمة و روایات مفتی بها فقه شریف بائستی تعلیم و تحصیل نسوان در خانه های خود از اقارب خود محارم شان باشد تا از آن تعلیم دینی که فرض منصبی ما ملت افغان است، محروم نمانند... تعلیم جمعیت نسوان در مکتب ها نشود تا مسئله حجاب و ستر که یک فرض ضروریست، برای نسوان اسلامی خوبتر و بهتر حاصل شود.»

شاه امان الله ناگزیر شد به دلیل فشار وارده و اوج شورش درسمت جنوبی به خواست این علماء تن دهد و آنرا قبول کند اما ضمن قبولی پیشنهاد آنها تصریح کرد و درجواب گفت: «اگرچه در موضوع تعلیم نسوان گفت و شنید ما و شما قبلاً به پایان رسیده و مفکوره تانرا درین مسئله قبول کرده ام، لکن باز هم میخواهم که توجه شما علمای اعلام و فضلالی کرام ملت عزیزم را بسوی این نکته مهمه بنمایم که درین مورد باید ما و شما از عقل و فکر و طرز عمل عموم عالم اسلام کار بگیریم و مزید برآن روا دار نشویم که طبقه اناثیه ما در یک عالم جهالت و نادانی و فرومایگی زندگانی کنند. تعلیم طبقه اناثیه از حد ضروریست و نباید ما و شما به مخالفت حدیث (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة) برائیم و نباید بگوئیم که ما افغانیم باید زنان ما از راه خدا و رسول و مبداء و معاد خود بیخبر بوده در یک عالم جهالت و نادانی باشند. بایستی ما برحال آن اطفال خود که تقریباً تا بعمرهشت سالگی دراطراف وجوانب مادر و خواهر و خاله و عمه و دیگر اقارب اناثیه خود زندگانی مفیده اولیه خود شانرا بسر میبرند، ترحم کنیم و محض جهت تعلیم و تربیه آن اطفال درین مکتب نخستین که مکتب آغوش مادر گفته میشود، آنها را از مسایل ضروریه مطلع کرده اطفال خود را ازین فیض عموم محروم نداریم. بالای ما و شما لازم است که طبقه نسوان خود را عالم و دانسته و مطلع از فرائض و واجبات و سنن و مندوبات و دیگر ضروریات بنمائیم. تا اولاده ما و شما در همان صغارت که تعلیم آنرا پیغمبر ما (کالنقش فی الحجر) گفته است و اهل سلف همین تعلیم را میگویند:

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

«با شیراندرون شده با جان بدر شود»، از اخلاق و عادات و اطوار خوب مستفیض و با آداب و صفات خجسته، متحلی [آراسته] شوند.»

شاه در ادامه اضافه کرد: «گاهی طرفدار این امر نبوده و نمیباشم که صبیاتی که قریب به مراهقی [بلوغ] باشند، در مکتب آمده تعلیم گیرند بلکه مفکوره و نظریه من نظر به مفاد بزرگ و ملحوظات سترگی که به شمه از آن در فوق اشاره شده بود، چنانکه صبیات خورد سال با همه گونه مراعات ستر و پرده در مکتبی که کاملاً محفوظ و مستور است و معلمات آنها نیز نسوانند، آمده تعلیم گیرند. اکنون که شما علماء میگوئید که خروج صبیات نیز برای تعلیم مستحسن نیست، بالفعل ما درین مفکوره تان با شما محض مراعات شرع شریف متفقیم، اما گمان نمیکنم که دیگر علمای عالم اسلام و فضلی هند و سند، مصر، مکه معظمه، مدینه منوره، شام، بیت المقدس، بغداد، بصره، کوفه و ترکیه درین نظریه با شما متفق باشند، زیرا که در هر یکی ازین بلاد معظمه اسلامیة بتعداد غیر واحد مکاتب اناثیه موجود است.»

با وجود قبولی این موضوع، وقتی شورش جنوبی سرکوب شد و موقف شاه و سلطنت مجدداً استحکام یافت، با آنکه در آغاز قرار شد که دختران زیر نظر ملکه ثریا در ارگ به شکل مکتب خانگی به تعلیم و درس پردازند و نیز اقدامات دیگر در جهت معارف نسوان و حقوق زنان با احتیاط صورت گیرد، با آنهم شاه و ملکه در سال 1305 (1926) هر دو در مورد بازگشائی مکتب دختران علی الرغم آنچه در لویه جرگه به تصویب رسیده بود، اقدام و مکاتب دخترانه را رسماً باز کردند و شاه و ملکه از آن مکتب بازدید نمودند و دختران را به مسئولیت های شان در آینده آشنا ساختند و آنها را از حقوق مساوی شان با مردان آگاهی دادند تا آنها خود را برای سهمگیری فعال در حیات آینده آماده سازند. در یک دیدار دیگر بتاريخ 7 جولای 1926 شاه خطاب به دختران گفت که: «رسم حجاب در افغانستان به نحو مبالغه آمیز بر زنان تحمیل شده است. حجاب در صورتی که به حد اعتدال رعایت شود، رسم بسیار خوب است، اما حجاب واقعی در قلب و روح زن است. نباید اجازه داد که حجاب ظاهری مانع ترقی ملی گردد. همچنان شاه در یک خطبه نماز جمعه حین سفر تفتیشی در جلال آباد بتاريخ 7 جوزا 1305 (28 می 1926) حصار را تشویق نمود تا در رابطه با حقوق ازدواج اصول شرعی را که عدالت است، پیروی نمایند و به زنهای بیوه اجازه دهند به میل خود آزادانه به ازدواج مجدد پردازند.

--- بررسی امور کلی ادارات دولت در ولایات یکی دیگر از اقداماتی بود که در دوره دوم بخصوص از طرف شخص شاه امان الله در پیش گرفته شد و شاه با یک هیئت بزرگ برای تفتیش اجراءات امور حکومت در ولایات شمالی (ترکستان)، مرکزی، شرقی و جنوب شرقی سفر کرد و در هر ولایت مدت چند هفته را به واریسی پرداخت و از امور صحیه، معارف، زراعت، محاکم، قطعات نظامی و کارکردهای آن ها بر طبق نظامنامه ها تدقیق و تحقیق بعمل آورد؛ به کسانی که در وظایف محوله موفق بودند، پاداش و به کسانی که در وظیفه اغفال کرده بودند، جزای متناسب داد و در مورد کمبودها و نواقص اجرائی به مشوره مشترک در حدود امکان راه های حل رفع معضله را جستجو کرد. متأسفانه راجع به بررسی امور ولایات به استثنای یک کتاب بقلم شخص شاه راجع به امور قندهار (کتاب بعداً تحت عنوان "حاکمیت قانون در افغانستان" به اهتمام حبیب الله رفیع در سال 1378 در پشاور به چاپ رسیده است) و نیز گزارشی از واریسی امور در مشرقی که در نشریه "امان افغان" در سال 1305 در چند شماره بطور مسلسل چاپ شده است، در دیگر موارد معلومات مستند در دست نیست.

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوای. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

--- در این دوره بر تعداد مکاتب ابتدائیه در کابل و نواحی دور و نزدیک آن و نیز در ولایات کشور سریعاً افزوده شد و در بسا نقاط کشور مکاتب ابتدائیه به رشديه ارتقا کردند. در کابل مکاتب امانیه و امانی در سطح رشديه یعنی بالاتر از صنف پنجم توسعه یافت، همچنان در جلال آباد، قندهار، هرات، مزار شریف و قطغن مکاتب به سطح رشديه بالا رفت و مکتب موزیک، مکتب پولیس و مکتب تدبیر منزل برای زنان در کابل تأسیس شد. در سال 1327 تعداد مکاتب ابتدائیه به 322 باب در مرکز و ولایات رسید و تعداد شاگردان مکاتب ابتدائیه بالغ به 51 هزارتن و در مکاتب رشديه و مسلکی به 3 هزار شاگرد افزایش کرد. (غبار، میر غلام محمد: "افغانستان در مسیر تاریخ"، جلد اول، چاپ ایران، صفحه 792 - 793)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ